

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

۱۱۸۲۸۳

۷۷۵

# وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده: هنرهای تجسمی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: عکاسی

## موضوع:

بررسی عکاسی مراسم ازدواج از قاجار تا دوران معاصر

استاد راهنما:

جناب آقای محمد مهدی رحیمیان

استاد مشاور:

سرکار خانم پروین طاعی

## موضوع:

عکسهای هنری از مراسم عروسی

استاد راهنما:

جناب آقای محمد مهدی رحیمیان

نگارش و تحقیق:

محسن حاجتمند

شهریور-۱۳۸۷

۱۳۸۸/۵/۱۷

کتابخانه و اسناد مرکز علمی ایران  
تسبیح دارک

ورود به دبیرخانه دانشگاه هنر  
شماره: ۱۲۱-۳۹-۶۹  
تاریخ: ۱۳۸۷/۴/۳۰

۱۱۸۲۸۳

خداوند زیباست و زیبایی‌ها را دوست می‌دارد ...

باران بر خاک پاک تو

زرینه تا کم، جان می بخشد.

باران گل خنده زندشاد

جان می شود آزاد،

ای وطنم

گل همیشه بهارم،

به جز غم تو چه دارم

باران تو بیار

مگر تو مگر بشویی، سیاهی از همه جانم

باران تو بیار

جاودان، به نسیم سحر سوگند

شادمان، به تو پیوسته هستم

تا تو شوی آباد، ای ایران

تو بخندی شاد، ای ایران

چو نسیم سحرگه آزاد، ای ایران

ایران

تشر از همه کسانی که به من رسم چگونه زیستن را آموختند ....

سپاس از همسر مهربانم مژگان لطف محمدی  
که در اجرای این پروژه و تهیه عکسها نقش اصلی را بر عهده داشت.

این مجموعه به پاس محبت‌های بی‌دریغ سه دوست ارزشمند، که یکی از آنها، در تمام روزهای سرد زمستانی و گرم تابستانی دوران تحصیلم در دانشگاه هنر، با قصه‌های هزارو یک شبی خود مرا دعوت به آمدن می‌کرد، که اگر او نبود، درس در همان ترم اول رها می‌شد، به «غلامحسین فتح الله نوری» و به پاس، تشویق‌های بی‌پایان پیشنهاد دهنده اجرای این پروژه، که اگر او نبود، جرأت و توان اجرای این پروژه نبود و دست و دلم به اجرای آن نمی‌رفت، به «ایمان سیوف جهرمی» و به پاس قدرانی از اولین معلم عکاسی‌ام، به سال ۱۳۶۹ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، که اگر او نبود، هیچ نبود، به «محمود مروتی»، اینان با فروتنی خود مرا رهین منت خویش ساخته‌اند، تقدیم می‌گردد.

اینان دوستانی بهتر از آب روانند....

محسن حاجتمند

الهیة ۱۳۸۷

پیشگفتار (ابتدای سخن) ..... ۱  
مقدمه ..... ۸

### فصل اول : پیدایش عکاسی

۱-۱ سرآغاز عکاسی در ایران ..... ۱۱  
۱-۲ عکاسی خلاق، در سرآغاز تاریخ عکاسی ایران ..... ۳۵  
۱-۳ پیرامون تاریخ عکاسی ایران ..... ۴۰  
۱-۳-۱ فرهنگ و ادبیات عکاسی در ایران ..... ۴۰  
۱-۳-۲ کتاب‌ها و نوشته‌ها درباره عکاسی در ایران ..... ۴۰  
۱-۳-۳ صد روز دارالفنون ..... ۵۳  
پی‌نوشت‌های فصل اول ..... ۶۸

### فصل دوم: آئین‌های مراسم عروسی در طهران قدیم

۲-۱ خواستگاری ..... ۷۵  
۲-۲ بله برون ..... ۷۶  
۲-۳ خرید جهاز ..... ۷۹  
۲-۴ تشریفات عقد ..... ۸۰  
۲-۵ حنابندان ..... ۸۵  
۲-۶ بنداندازان ..... ۸۵  
۲-۷ عقدکنان ..... ۸۷  
۲-۸ جهازکشان ..... ۹۲  
۲-۹ ضیافت شب عروسی ..... ۹۳  
پی‌نوشت‌های فصل دوم ..... ۹۴

### فصل سوم : روند تحولات عکاسی در ایران

۳-۱ تبارشناسی واژه گان مدرن، مدرنیته و مدرنیسم ..... ۹۹  
۳-۲ مدرنیزاسیون در عکاسی ایران ..... ۱۰۲  
پی‌نوشت‌های فصل سوم ..... ۱۳۹



## فصل چهارم: عکاسی عروسی

- ۴-۱ تأسیس اولین عکاسخانه عمومی ..... ۱۴۲
- ۴-۲ جایگاه عکس در پژوهش‌های مردم‌شناسی ..... ۱۴۲
- ۴-۳ تأملی بر مشکلات و پیچیدگی موجود در اجرای عکاسی عروسی ..... ۱۴۴
- ۴-۴ درآمدی بر تحول ساختار پرتره‌های عکاسخانه‌ای در ایران ..... ۱۵۰
- ۴-۵ آلبوم یادگاری ..... ۱۵۵
- ۴-۶ نقش و ارزش شواهد تصویری در تبیین امور تاریخی و اجتماعی ..... ۱۶۰
- پی‌نوشت‌های فصل چهارم ..... ۱۶۶

## فصل پنجم: زیبایی‌شناسی و جامعه‌شناسی در هنر و عکاسی دوران قاجار

- ۵-۱ تعریف زیبایی ..... ۱۶۹
- ۵-۲ بررسی زیبایی‌شناختی آثار عکاسان دوره قاجار در عکسهای پرتره ..... ۱۷۰
- ۵-۳ جامعه‌شناسی هنر ..... ۱۷۶
- ۵-۴ شیوه‌ارائه زیبایی‌شناسانه عکس در دوران قاجار ..... ۱۷۹
- ۵-۵ فنون عرضه و نمایش عکس در ایران ..... ۱۸۰
- پی‌نوشت‌های فصل پنجم ..... ۱۹۱

## فصل ششم: تکنیک‌های حرفه‌ای برای عکاسان عروسی

- ۶-۱ عکاسان حرفه‌ای عروسی ..... ۱۹۳
- ۶-۲ جنبه‌های شغلی و حرفه‌ای عکاسی از مراسم عروسی ..... ۱۹۷
- ۶-۲-۱ مرحله شروع کار ..... ۱۹۸
- ۶-۲-۲ تهیه آلبوم نمونه کار ..... ۱۹۹
- ۶-۲-۳ نحوه ارائه کار ..... ۲۰۱
- ۶-۲-۴ تنظیم لیست قیمت ..... ۲۰۳
- ۶-۲-۵ قرارداد ..... ۲۰۵
- ۶-۲-۶ سوابق مالی ..... ۲۰۸
- ۶-۲-۷ کارت تجاری ..... ۲۰۹
- ۶-۲-۸ تکنیک‌های بازاریابی ..... ۲۰۹
- ۶-۲-۹ قرار ملاقات ..... ۲۱۱

۲۱۱.....	۶-۲-۱۰ فروش
۲۱۴.....	۶-۲-۱۱ نمونه ساده‌ای برای عقد قرارداد عروسی
۲۲۱.....	۶-۳ تجهیزات مورد نیاز برای عکاسی از مراسم عروسی
۲۲۱.....	۶-۳-۱ دوربین‌ها
۲۲۴.....	۶-۳-۲ لنزها
۲۲۷.....	۶-۳-۳ تجهیزات نورپردازی
۲۳۱.....	۶-۳-۴ تجهیزات اضافی
۲۳۲.....	۶-۳-۵ چک لیست
۲۳۷.....	پی‌نوشت‌های فصل ششم

### فصل هفتم: پروژه عکاسی عملی

۲۳۹.....	۸-۱ گزارش کار عملی
۲۴۰.....	۸-۲ عکسهای پروژه
۲۵۰.....	پایان سخن
۲۵۴.....	فهرست منابع فارسی
۲۵۷.....	فهرست منابع انگلیسی
۲۵۸.....	خلاصه مقاله به انگلیسی (Abstract)

## چکیده:

این رساله با تعیین اولویت های نسبی که در تاریخ عکاسی ایران موجود است و بر پایه توالی تاریخی این هنر پایه ریزی گردیده است و به جنبه های فرهنگی و اجتماعی عکاسی عروسی و رویکرد جامه نسبت به این شاخه از عکاسی توجه دارد؛ با نگاهی به زیبا شناسی و فرهنگ ادامه می یابد و به نتایجی در مورد جایگاه امروزی عکاسی عروسی در ایران و جهان می پردازد.

عمده مخاطب این رساله دانشجویان و عکاسان آتلیه داری هستند که به عکاسی عروسی علاقه مند بوده و یا در این حرفه مشغول به کار می باشند. این رساله، هنرمند عکاس عروسی را در مقام یک تولید کننده فرهنگی در جایگاه رسانه ای عکاسی قرار می دهد. در این پژوهش تلاش کرده ام که از ذوق، سلیقه، روح و اندیشه ی خود در عکاسی عروسی بهره ببرم و به شیوه ای غیر متداول به نمایش این گونه آثار هنری بپردازم.

## پیشگفتار (ابتدای سخن)

از وقتی به عکاسی پرداختم، بحث داغ این بود که عکاسی هنر است یا هنر نیست. این موضوع هم مطرح بود که آیا عکاسی عروسی جزو هنرهای زیباست یا نه، مسئولان موزه‌های هنری هیچ وقت بر این عقیده نبوده‌اند که عکاسی عروسی جزئی از عکاسی و نیز جزو هنرهای زیباست، امروز من از آن به عنوان هنر عکاسی عروسی یاد می‌کنم. به این ترتیب هنر ما عکاسهای عروسی هم در ردیف هنرهایی مثل آرایشگری، مانیکور و احتمالاً واکس زدن کفش جا می‌گیرد. من اینجوری خوش دارم، از این منظر وارد بررسی این مبحث شوم.

در طی قرن نوزدهم و بیستم، عکاسی کوشید خود را در مقام یک هنر به جهانیان بشناساند و توانست هویتی برای خود به دست آورد و در شرایط استثنایی مانند بحرانهای سیاسی و اصلاحات اجتماعی بود که اساسی‌ترین موضوع «هنر» یعنی خود «زندگی» را مخاطب قرار داد.

اصولاً هنر چیست، چه کسی باید آن را تعریف کند؟ چه کسی باید تعیین کند که هنر از کجا آغاز شده و به کجا می‌انجامد؟ چه کسی می‌تواند بگوید، فقط تا این حد می‌توان پیش بروی نه بیشتر. فلاسفه معتقدند که هنر، زیبایی است و زیبایی بیان عینی حقیقت است. اگر در عکاسی نشانی از حقیقت بیابیم و اگر این نشان در شکل ظاهری‌اش حس بینایی را سرشار از لذت کند، آیا نمی‌توانیم آن را زیبا بخوانیم؟ و اگر تمام ویژگی‌های هنر در عکس عروسی فراهم باشد، چگونه می‌توانیم آن را هنر قلمداد نکنیم؟

عکاسان زمانی بر این باور بودند که عکاسی فقط زمانی می‌تواند هنر قلمداد شود که به نقاشی یا طراحی شباهت داشته باشد و عکاسی را رونوشت واقعیت می‌پنداشتند. واقعیتی که در گذر است و زمان ثبت آن تبدیل به هنری جاویدان می‌گردد.

عکاسی عروسی در مقام خود باید به عنوان یک هنر تلقی شود. عکاسی عروسی، نه تنها جزئی از هنرهای زیبا، که خود هنری با محدودیت‌های خاص خویش است و با وجود این یک هنر به

حساب می‌آید. این هنر چون دیگر رسانه‌ها، و وسایل ارتباطی در عین توجه به محدودیتها باید نیروهای ذاتی و جوهره استثنائی خود را معرفی نماید.

عکاسی عروسی اساساً عملی است که براساس تمایل، تجربه، وظیفه، خصوصیات ویژه فردی و به منظور کشف و تشخیص رابطه‌ای دو نفره صورت می‌پذیرد. در واقع می‌توان گفت که عکاسی عروسی قادر به گریز از دنیای اطراف خود نیست. تصویری که دوربین می‌سازد عامل مهم به شمار می‌آید.

دید عکاس، توانایی تجسم تصویر نهایی و روش‌های فنی خاص که لازمه اعتبار بخشیدن و مؤثر ساختن این تصویر است همگی از ارکان مهم این شاخه عکاسی است.

عکاسی عروسی نیز به نوبه خود از همان آغاز کار، بسیاری از نقش‌های اجتماعی نقاشی و نیز شاخه‌های عکاسی تکچهره و سپس عکاسی منظره و در نهایت گزارش‌های مصور را جهت رشد خود به اختیار گرفت.

هنگامی که دوربین اختراع شد انسان دریافت که با ابزارهای تکنیکی، و موادشیمیایی، هر کسی می‌تواند چیزی را بسازد که تا آن زمان محصول عالیتین و نادرترین توانائیهای انسان محسوب می‌شد، امروزه علی‌رغم وجود دوربین‌ها خانوادگی فراوان، مصرف کنندگان غیر حرفه‌ای، این شاخه از عکاسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. و امروزه همه عکاس هستند، از دست قضا همه عکاس عروسی هم هستند اما چگونه می‌شود که مشتری‌ها در جستجوی نگاه عکاسانه دلخواه خود از این آتلیه به آن آتلیه می‌روند و در نهایت، آن نگاه مورد نظر خود را می‌یابند.

این در حقیقت قدردانی از عکاسان است که در زمینه ارزش ذاتی ادراک حسی به نگرش شخصی رسیده‌اند. همچنین اشاره به این نکته که این گونه از عکس‌ها می‌توانند از حوزه عنصر دیداری فراتر بروند و به بخشی از خاطرات وارد شوند.

عکس عروسی می‌تواند زاییده ذوق، سلیقه، روح، هوش و اندیشه عکاس باشد که در مجموع شخصیت عکاسانه را بوجود می‌آورد. امروزه پیشگامان هنری در عکاسی عروسی، دیدگاه‌های

متفاوتی دارند، البته همه به یک چیز یعنی «نگرش خوب» اعتقاد دارند، اما عکاسان ناگزیر از همسو کردن دیدشان با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فرهنگی محیطی هستند که در آن عکس می‌گیرند.

سعی خواهیم کرد در خصوص دلالت معنایی تصاویر عکاسیک عروسی به جنبه‌های گوناگون زندگی در جایی از این رساله اشاره کنم و عناصر هنری تشکیل دهنده عکس را با نشانه‌های معنا شناسیک مطرح، مورد بحث قرار دهم، برای مثال اشاره به دسته گل عروس و نشانه‌ای از گشایش بخت برای نوعروسی دیگر. هنگامی که از این منظر از نظریه‌ی عکاسی عروسی یاد می‌کنم، عکاسی را همچون مجموعه‌ای از شگردها و ترفندها در نظر نمی‌گیرم، بل آن را همچون کنش دلالت، یعنی کارکردن با مواد خاص، در زمینه‌ای اجتماعی و تاریخی خاص، برای دستیابی به اهدافی معین، به معناهایی دست می‌یابم که چه بسا هدف کنش نبودند. مشخصه اصلی و آغازین عکاسی، آن سان که در زندگی اجتماعی و سخن زیبایی شناسیک مطرح می‌شوند، ایجاد معناست. پنداری ریسک عکاسی ایجاد ژرفناست. داستان عکاسیک عروسی، به معنی دقیق و کامل واژه «هنرهای عامه پسند»، و به یک معنای خیال و رویا پردازی پی در پی به کار می‌رود. این گونه از عکسها جای خالی رمان‌های سبک و عاشقانه‌ی قدیمی را پر می‌کنند و بیان کننده اتفاقات عاشقانه‌ای بین دو نفر (عروس و داماد) می‌باشد و خوانندگان یا بهتر است بگویم بینندگان از طبقه‌ها و لایه‌های مختلف جامعه هستند.

عکسهای عروسی پیچیده نیستند، دلالت‌های نشانه شناسیک آن نیز دشوار دانسته نمی‌شوند، فقط سهم خیالپردازی در آن بارها و بارها بیشتر از دیگر داستان‌های عکاسیک هستند. به همین نسبت در عین تأثیر ژرف در اندیشه‌های زیبایی شناسیک، تأثیری سطحی و شادمان کننده نیز دارند. مرزهای بین شاخه‌های مختلف عکاسی خطوطی مشخص و قاطع نیستند. مشاهده خواهیم کرد که برخی کارکردها و رویکردهای عکاسی عروسی به مسائلی در دیگر حوزه‌ها عکاسی، بویژه عکاسی مد و تبلیغات، عکاسی پرتره و ... ربط می‌یابند.

عکاسی عروسی هنگامی که در مقام یک زبان مشترک بین ملل مختلف و اقوام یک کشور قرار می‌گیرد، علامتها را به جای اشیاء و افراد می‌نشانند و چون همیشه تعداد علامتها از تعداد اشیاء کمتر است، چاره‌ای ندارد جز آنکه تا اندازه‌ای به ورطه الگوسازی و تکرار برسد. عکاسی عروسی به مانند زبانی که به ما ارث می‌رسد، در آن واحد هم وسیله است و هم دام. وسیله است، چون با آن تجربه‌های مشترکمان را نظم می‌دهیم و دام است از آن جهت که تکرار مکررات می‌باشد.

اگر از دریچه سمبلها و تمدن‌ها وارد جریان عکاسی عروسی شویم این معنا را استنباط می‌کنیم که عکاسی عروسی حاصل تجربه‌ای است که بدان «تجربه زیبایی شناسی عامه پسند» می‌گوییم، این تجربه‌ای است که ما اغلب هنگام روبه‌روی با چیزی زیبا حس می‌کنیم، و عمیقاً موجب رضایتمان را فراهم می‌آورد. سالها این سوال در ذهن من مطرح بوده است که این رضایت خاطر از چیست؟ روشن است که این ارضای درونی مربوط به کیفیت، معنا و محتوای یک تجربه بصری است. سعی خواهم کرد در فصولی که خواهیم دید به شکافتن این تجربه بصری و مفاهمی از آن بپردازم. تاریخ عکاسی نشان می‌دهد که عکاسی عروسی نه تنها محصول زندگی واقعی است که از طریق منشور شخص عکاس بازتاب می‌شود، بلکه محصول آن اشکال زیبایی شناسی‌ای نیز هست که اعجاز آن در تجسم صورت نیست بلکه در درک و فهم آن است.

عکاسی عروسی، گونه‌ای ارتباط است، هر چند این تماماً درست است که انتقال موفقیت آمیز این کار، مستلزم وجود شکلی ظاهری و در همان حال مؤثر، گیرا و بی‌نقص است، اما این نکته نیز حقیقت دارد که این شکل، جدا از پیامی که منتقل می‌کند، چیزی بی‌معنی است.

ذکر این نکته بدیهی است که هر مخاطبی در تأویل و تفسیر یک آلبوم عکس عروسی، آن را با تجربیات شخصی و باورهای ذهنی‌اش مرتبط می‌سازد و آن را به نوعی خاص انحصاری می‌کند. صاحب نظران در زمینه‌های مختلف عکاسی هنوز نتوانسته‌اند به نحوی قاطع، قاعده‌ها و اصول ادراک عکس و نحوه عملکرد آن در روح و جان مخاطب را روشن سازند.

سعی خواهیم کرد در فصلی در پرتو علوم اجتماعی به بررسی عکاسی عروسی بپردازم و عکس عروسی را در زمینه اجتماعی آن مورد مطالعه قرار دهم. اما از کجا باید شروع کرد؟ جامعه، سازمان بسیار دامنه‌داری است و عرضه‌های بسیار گوناگونی را در بر می‌گیرد. کدام یک از عناصرها را باید مقدم و کدام را تالی شمرد؟ عکاسی عروسی فرآورده‌ای اجتماعی است در این بخش کوشش خواهیم کرد به گونه‌ای منظم راه‌های گوناگون را در بررسی برشمارم.

عکاس عروسی هرگز در خلاء به سر نمی‌برد بلکه به طرزی جدایی ناپذیر با حیات جامعه به عنوان یک کل در هم آمیخته است، تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌پذیرد.

خلاصه آنکه چون عکاسی ریشه‌های جامعه‌شناسانه دارد، در عین حال هم سند تحقیق و هم ابزار و وسیله تحقیق است. برای بهتر فهمیدن نقش اجتماعی در آنچه عکس ارائه می‌کند، دشواریهای بسیاری نیز وجود دارد.

عکاس هنرمند عروسی، در مقام تولید کننده فرهنگی، در جامعه شناسی هنر و رسانه عکاسی جایی دارد. در تولید یک آلبوم عروسی، نهادهای اجتماعی بر بسیاری چیزها موثرند، از جمله اینکه چه کسانی عکاس می‌شوند، چگونه عکاس می‌شوند، وقتی عکاس شدند چگونه عکاسی خود را تحقق می‌بخشند، این رویدادهایی است که امکان آنها را اجتماع فراهم کرده و ساخته اجتماعند.

در این جا باید بر این واقعیت تأکید کنم که ملاحظات اقتصادی، که غالباً از نوع کاملاً بنیادین هستند، همواره با تولید اجتماعی عکاسی ارتباط دارند. آنچه تولید می‌شود و به نمایش در می‌آید و به دست مخاطبان می‌رسد غالباً از طریق واقعیت‌های اقتصادی عریان تعیین می‌شوند.

بررسی که انجام داده‌ام تاریخی است اما نه به معنای متعارف تاریخ، این رساله بر پایه توالی تاریخی بنا نشده است، بلکه درونمایه بحث‌ها مسائل ژرفی را پیش می‌کشد که برای تاریخ متعارف ناآشنايند، مسائلی که به شیوه خاص خود بی‌شک گذر زمان را دارا هستند.

از آن جهت که معتقد بودم، یک پژوهشگر نباید خود را محدود به چیزهایی بکند که شخصاً آنها را دوست می‌دارد، بلکه باید عقایدی را هم که نمی‌پسندد همانند عقاید که پذیرفته است در



گزارش بیاورد، نکاتی را که تأیید اصلی بر آنها داشتیم به عنوان سرفصل انتخاب کردم، معمولاً در این نوع تحقیقات، محقق به پیش و پس می‌رود، برای آنکه روابط دقیق را بی‌عیب بیان کند. البته لازم به تذکر است که در بسیاری از موارد تاریخ عکاسی ایران رساله‌ای تحقیقی وجود دارد یا در دست نگارش است و یا در این سال‌ها توسط پیشروان پژوهش در تاریخ عکاسی ایران، روانشاد یحیی ذکاء، دکتر ایرج افشار، قاسم صافی، مرحوم ابراهیم هاشمی، دکتر شهریار عدل، دکتر محمد ستاری، استادان بزرگوار بهمن جلالی و مهرداد نجم‌آبادی، مرحوم کریم امامی، آقایان آرمان استپانیان، محمدرضا طهماسب پور، جهانگیر چراغی و ... و خانم‌ها بدری آتابای، رعنا جوادی، پریسا دمندان، مژگان طریقی، هاله خاکپور و ... انجام گردیده است.

لازم به توضیح است هر چند هدف من در این رساله، تعیین اولویت‌های نسبی مطالب بوده است ولی به هیچ وجه قصد داوری و قضاوت میان آنها را نداشته‌ام و نخواسته‌ام که از تباین میان دیدگاه‌ها و گفته‌ها، مواردی را به نفع خود استخراج کنم. کلمه «نقد» از طرف من اگر بکار رفته است بمعنای کانتی کلمه بوده است و تا حدی بمعنای لغوی و تاریخی آن که مشتق از کلمه یونانی (Krinein) است بمعنای «جداکردن عناصر متفاوت». در این متن هرگز این کلمه به معنای انتقاد کردن از کسی یا چیزی بکار نرفته است. معتقدم هر کاری در زمینه تاریخ عکاسی و یا تاریخ هنر شود به ناگزیر کوششی است برای تبدیل یک تجربه دیداری به یک تجربه نوشتاری، که طبیعتاً این دو تجربه اساساً متفاوتند.

معتقدم هر تحقیق می‌تواند تا سطحی ادامه یابد که مناسب دانشجوی مورد نظر است. تحقیقات ساده‌تر کتب کمتر و کار مختصرتر را طلب می‌کند. در این مورد تلاش کردم خیلی موجز نشان دهم چگونه باید دنباله موضوعات مطرح شده را در کتب اصلی‌اش جستجو کرد. از منابعی که به آنها استشهاد کرده‌ام و نیز از شیوه تا حدی التقاطی من به منابع گوناگون آشکار خواهد شد که قصد داشتم گفته‌هایم تا حد امکان مطالب را در برگیرد.

در خاتمه ادای وظیفه مطبوع سپاسگذاری از کسانی باقی می‌ماند که مرا با کمک‌ها و راهنمایی‌هایشان رهین منت خویش ساختند: پیش و بیش از همه، استاد گرامی جناب آقای دکتر سلیمی که با راهنمایی‌های مشفقانه و سخنان تشویق‌آمیز خویش همواره به من قوت قلب داده‌اند، سپس استادان راهنمای پروژه، استاد گرامی جناب آقای محمد مهدی رحیمیان و استاد گرامی سرکار خانم پروین طاعی در کمک به حل مشکلات این رساله از صرف وقت گرانبهای خویش دریغ نکردند.

از استادانی که در دوران تحصیل از ایشان بسیار آموختم، آقایان رضا نبوی، محمد خادمیان طرقي، محمد مترجم زاده، دکتر زاویه، دکتر کامران افشار مهاجر.

از عزیزانی که با امانت دادن کتابهایشان و یا ذکر نکته‌ای مرا یاری کردند: آقایان بهمن جلالی، محمدرضا طهماسب پور، دکتر محمد ستاری، شهریار توکلی، تورج حمیدیان، سیف‌اله صمدیان، افشین شاهروردی، آرمان استپانیان، محمود مروتی، کامران عدل.

خانم‌ها مژگان طریقی و پریسا دمندان.

تشکر و قدردانی بی‌پایان من از ریاست محترم کاخ موزه گلستان سرکار خانم پروین ثقه‌الاسلامی، برای اجازه پژوهش در آلبوم خانه سلطنتی، مسئولین محترم کتابخانه ملی ایران، کتاب‌داران محترم دانشگاه هنر، مسئولین محترم گروه عکاسی در دانشکده هنرهای کاربردی، و تشکر از بهترین منتقد، همراه و همگام زندگی‌ام، مژگان لطف محمدی، که با تحمل دشواری‌ها مرا بش از پیش مدیون خود ساخت.

## مقدمه

تاریخ عکاسی در ایران، تقریباً پیشینه‌ای همپای ظهور این پدیده در جهان دارد. سیر تحول این پدیده در ایران که با حمایت خاص شخص ناصرالدین شاه همراه بوده است، موجب رشد و ترقی و توسعه این فن و هنر در سال‌های آغازین خود در ایران شده است و این موضوع آنجا بیشتر رخ می‌نمایاند که برخی از کاربردهای عکاسی همزمان و یا در برخی موارد پیشروتر از سایر نقاط جهان در ایران نمود پیدا کرده است. این امر برای مشخص نبودن و تعیین ارزش جایگاه واقعی تاریخ عکاسی ایران و سیر تحول عکاسی در دنیا و میزان اثرگذاری و اثرپذیری آن بسیار با اهمیت است و می‌تواند بیانگر سهم واقعی ایرانیان در مسیر پیشرفت عکاسی و کاربردهای گوناگون آن در مسیر تاریخ هنر جهان باشد، این امر که تا به امروز از دیدگاه صاحب‌نظران تاریخ هنر و نویسندگان این مقوله کاملاً به دورمانده است. از سویی دیگر، رجوع به گذشته در هنر به عنوان ابزاری برای شناخت تازه‌ای از تاریخ، زندگی، روابط عاطفی و هویت ملی مردمان ما عمل کرده است.

مقایسه سطح علمی و نکات فنی و هنری مطرح شده در سرآغاز تاریخ عکاسی ایران با مطالبی که امروز درباره عکاسی در ایران مطرح است و به چاپ می‌رسد، حقیقتاً حسرت بار است و به نیکویی عدم استمرار تلاش‌های علمی و پژوهشی و گسست علمی و فرهنگی جامعه علمی و هنری ما را نشان می‌دهد. از طرفی گمان می‌کنم حق بسیاری از پیشروان این فن و هنر از سال‌های نخستین آغاز عکاسی در ایران، ناشناخته و ادا نشده باقی مانده است. نام‌های همچون آقا رضا عکاس باشی، عباسعلی بیک، آقایوسف عکاس، میرسیدعلی، منوچهرخان عکاس، میرزا حسین علی عکاس، محمد جعفر میرزا، میرزا احمد عکاس، میرزا ابراهیم صنیع السلطنه، ابوالقاسم نوری، عبدالله قاجار، امیرجلیل الدوله قاجار و ... که هر یک به نوبه خود سهمی بزرگ در رشد و گسترش فرهنگ تصویری این دیار داشته و کار برخی از آنان با هم‌تاهای غربی خود نه تنها برابری می‌کند، بلکه در بعضی موارد پیشرو حرکت‌های آغازین عکاسی در دنیا نیز هست.

وجود گنجینه ارزشمند تصویری، نسخه‌ها خطی مربوط به عکاسی و ابزار و ادوات، عکاسخانه‌ای باقیمانده از سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری که تاکنون بدان پرداخته شده است، ما را بر آن می‌دارد که در روند تکاملی پژوهش‌های مربوط به تاریخ علم و هنر ایران، به عکاسی و جنبه‌های گوناگون کاربردی و کارکردی آن در ایران در آستانه تحولات عظیم جهانی در قرن نوزدهم توجهی ویژه کنیم. از سوی دیگر، عکاسی در ایران با شکلی بسیار ویژه براساس فرهنگ خاص تصویری و اجتماعی رشد و توسعه یافت و تاکنون کمتر به جنبه‌های گوناگون آن پرداخته شده است و علی‌رغم وجود مدارک و اسناد بسیار، جای این گونه پژوهش‌ها در تاریخ هنر ایران خالی است. بی‌تردید پژوهش‌ها و یافته‌های مربوط به سیر تحول عکاسی در ایران، علاوه بر تعیین جایگاه این فن و هنر در تاریخ هنر ایران میزان تأثیر آن بر سایر هنرها، می‌تواند دستمایه تدوین و تصحیح سیر تحولات تاریخ عکاسی در اروپا به خصوص از منظر پدیده‌شناسی این هنر مورد ملاحظه قرار گیرد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - نقل از پیشگفتار کتاب ناصرالدین، شاه عکاس